

چالش‌های نظام نظارت و ارزیابی دانشگاه‌های ایران: مروری نظام‌مند

* فاطمه فراهانی‌خواه * حمیدرضا آراسته * حسین عباسیان * بیژن عبدالهی *
* دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، گروه مدیریت آموزشی دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

farahanikhah@khu.ac.ir

* استاد گروه مدیریت آموزشی دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

arasteh@khu.ac.ir

* دانشیار گروه مدیریت آموزشی دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

h_abbasian@khu.ac.ir

* استاد گروه مدیریت آموزشی دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

biabdollahi@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۷

چکیده

آموزش عالی نظام تولید، انتقال و کاربرد دانش هر کشور را تشکیل می‌دهد و ایجاد سازوکار لازم برای نظارت و ارزیابی موجب کارآمدی و اثربخشی آموزش عالی می‌شود. با وجود تلاش‌های انجام شده، هنوز ساختار ملی مناسبی برای نظارت و ارزیابی نظام آموزش عالی ایران وجود ندارد. هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل نظام‌مند چالش‌ها و مشکلات نظارت و ارزیابی دانشگاه‌های دولتی و غیرپزشکی ایران در بازه سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ است.

روش پژوهش مرور نظام‌مند بوده و داده‌ها از ۷ پایگاه اطلاعاتی معتبر گردآوری شد. پس از غربالگری و انتخاب نهایی، ۳۳ مطالعه مرتبط مورد تحلیل قرار گرفت. در گام نخست ۲۲۱ کد باز از متون منتخب استخراج شد و سپس طی فرایند کدگذاری محوری و انتخابی، این کدها در قالب ۲۶ کد محوری و نهایتاً ۸ دسته اصلی سازمان‌دهی گردید.

یافته‌ها نشان داد مهم‌ترین چالش‌ها شامل ضعف در استانداردسازی و شاخص‌سازی، ناکارآمدی در فرایند اجرا و بهره‌گیری از نتایج، محدودیت‌های منابع انسانی، ضعف در سیاست‌گذاری و راهبرد، کمبود زیرساخت‌های اطلاعاتی، نارسایی در طراحی ساختار کلان، ضعف فرهنگ‌سازی و مشارکت ذی‌نفعان، و گسست در هماهنگی سازمانی است. در این میان، «فقدان انسجام در الگوها و فرآیندهای ارزیابی» و «عدم بهره‌گیری از نتایج ارزیابی» بیشترین بسامد را داشته‌اند.

نوآوری پژوهش حاضر در آن است که برای نخستین بار یافته‌های بیش از یک دهه پژوهش‌های داخلی در این زمینه را به صورت نظام‌مند گردآوری کرده و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی، تصویری جامع و دسته‌بندی‌شده از چالش‌های پایدار نظام نظارت و ارزیابی آموزش عالی ایران ارائه می‌کند. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاران در جهت به‌روزرسانی رویکردهای ارزیابی، سرمایه‌گذاری در منابع انسانی و ایجاد نهادهای حرفه‌ای باشد تا اصلاح و تحول در این حوزه امکان‌پذیر گردد.

واژه‌های کلیدی: آموزش عالی، ایران، دانشگاه‌ها، نظارت و ارزیابی.

نوع مقاله: پژوهشی

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: حمیدرضا آراسته Arasteh@khu.ac.ir

۱- مقدمه

نظام آموزش عالی به عنوان یک نظام تولید، انتقال و کاربرد دانش، اساس توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر کشور را تشکیل می‌دهد. دریافت بازخورد از اقدام‌های انجام شده و به دنبال آن سنجش و ارزیابی عملکرد، اصلی‌ترین پیش-نیاز توسعه و پیشرفت در هر زمینه‌ای محسوب می‌شود (نوروزی چاکلی و عبدی، ۱۳۹۹) و یک سیستم آموزش عالی توسعه یافته هم به عنوان صنعت و هم به عنوان منبع شهروندان آموزش دیده و تحصیل کرده برای اقتصاد کشور ارزش دارد (کاو و همکاران، ۲۰۲۳).

اصولا نهادهای تأثیرگذار در رشد و توسعه جوامع، نهادهایی هستند که به‌طور مداوم وضعیت عملکرد خود را با توجه به اهدافی که برای خود تعریف کرده‌اند، ارزیابی می‌کنند و بر اساس نتایج این ارزیابی‌ها به دنبال رفع نواقص و تقویت نقاط مثبت در فعالیت‌های خود هستند و این‌چنین است که ارزیابی در نظام دانشگاهی را از جمله کارکردهای مدیریت آموزش عالی می‌دانند (زمانیان و همکاران، ۱۳۹۹) و ارزیابی یکی از قوی‌ترین ابزارها برای توسعه استراتژیک در محیط‌های آموزش عالی است (پروین و ریگی، ۱۴۰۲).

نظام نظارت و ارزیابی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی از جایگاه ویژه‌ای در آموزش عالی برخوردار است. ایجاد سازکار لازم به منظور نظارت و ارزیابی موجب کارآمد کردن، اثربخش نمودن و هدایت آموزش عالی به سمت تحقق اهداف آن است و اصولاً پاسخ به پرسش‌هایی در مورد عوامل مربوط به "درون‌دادها"، "فرآیندها"، "برون‌دادها" و "پیامدهای" آموزش عالی کشور مستلزم استفاده از سازوکار نظارت و ارزیابی است (بازرگان و فراستخواه، ۱۳۹۶). از منظر پروین و ریگی (۱۴۰۲) به نقل از ریگی و عزیزی، (۱۴۰۰) نقش سیستم ارزیابی در آموزش عالی؛ جمع‌آوری داده‌ها، محاسبه شاخص‌ها، مقایسه با استانداردها و همچنین تفسیر و تحلیل نتایج، گزارش رسمی و نهایتاً دادن

بازخورد و استفاده از اطلاعات به دست آمده برای ارائه خدمات کارآمد و اثربخش از طریق سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک بسیار حائز اهمیت است. ارزیابی نظام‌های آموزشی یکی از ضروریات پویایی این نظام‌ها است و عدم وجود فرآیند ارزیابی مستمر موجب رکود آن‌ها می‌گردد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹).

مطالعات تطبیقی آموزش عالی نیز بیان‌گر آن است که دانشگاه‌هایی موفق هستند که از یک نظام چرخه زندگی دانشگاهی، یعنی نظام برنامه‌ریزی و توسعه، نظام اجرا، نظام نگهداری، ارزیابی، تضمین کیفیت و اعتبارسنجی و نیز نظام تولید و توزیع برخوردار باشند و این رمز بقای یک نظام آموزش عالی در دنیایی است که روز به روز رقابتی تر می‌شود. از طریق فعالیت‌های ارزیابی می‌توان مسیر توسعه آموزش عالی را کشف کرد (کاو و همکاران، ۲۰۲۳) و اثربخشی برنامه‌های آموزش عالی عمدتاً به شیوه‌های نظارت و ارزیابی متکی است (عزیز، محمود و هنا، ۲۰۲۱).

لذا وجود نظام مناسب و کارآمد جهت نظارت و ارزیابی موسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها به عنوان یک ضرورت مطرح است (رشیدی، ۱۳۹۷). شاهسون و همکارانش (۱۳۹۵ الف) نظارت و ارزیابی را به عنوان یکی از چرخه‌های اصلی زندگی دانشگاه‌ها می‌دانند و به اعتقاد ایشان قلمرو کارکردی نظارت و ارزیابی، به عنوان فرآیندی که در گستره سیستم فعال است، به وسعت قلمرو سیستم "باز" است و ابعاد مختلف راهبردی، ساختاری، فناوری، فردی، کارکردی، مدیریتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تعاملات محیطی و وجهه بیرونی سیستم آموزش عالی را در بر می‌گیرد (شاهسون و همکاران، ۱۳۹۵ ب). بازرگان و فراستخواه (۱۳۹۶) نیز اهمیت نظارت و ارزیابی در آموزش عالی را چنین بیان می‌کنند: با توجه به پیچیدگی‌های نظام آموزش عالی، کیفیت این نظام، مستلزم توجه به چهار کارکرد مدیریتی ۱- برنامه ریزی، ۲- سازمان‌دهی، ۳- هدایت و رهبری، و ۴- نظارت و ارزیابی است که البته نظارت و ارزیابی بر سه



دفاتر قبلی بعد از یک دوره فترت دو ساله (۱۳۸۵) تا کنون).

هر چند در سال ۱۳۸۷ توجه به سیاست تمرکززدایی و سازمان‌دهی عملکرد نظارت و ارزیابی منجر به تصویب آیین‌نامه تشکیل هیئت‌های نظارت و ارزیابی استانی شد و مرکز نظارت و ارزیابی آموزش عالی با ایجاد شبکه‌ای از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور در قالب هیئت‌های استانی نظارت و ارزیابی آموزش عالی با محوریت دانشگاه‌های دولتی در ۳۱ استان کشور و با ترکیبی قریب به ۱۰۰۰ نفر از اعضای هیئت علمی و کارشناسان دانشگاه‌های دولتی و کارگروه‌های مرتبط امر خطیر نظارت و ارزیابی آموزش عالی کشور را به عهده دارند (آواری و حیدری، ۱۴۰۱) اما به نظر شاهسون و همکاران (۱۳۹۵ ب) برداشت عمومی از عملکرد هیئت نظارت و ارزیابی آموزش عالی حاکی از عدم اثربخشی، پراکنده‌کاری و ضعف نسبی فعالیت‌ها و در نتیجه عدم اعتماد افراد، تردید و نارضایتی مسئولان و دست‌اندرکاران دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی است. نظام آموزش عالی ایران در دهه‌های گذشته با چالش‌ها و مشکلات متعددی روبرو بوده است که باعث شده است نظارت و ارزیابی در نظام آموزش عالی به‌عنوان یک عنصر مهم تلقی شود (پروین و ریگی، ۱۴۰۲).

در دهه‌های اخیر همچنان که تعداد موسسات آموزش عالی به طور قابل توجهی افزایش یافت، ارزیابی آموزش عالی نیز به طور فزاینده‌ای مورد مطالعه قرار گرفت (ون مول و همکاران، ۲۰۲۱). همانطور که آموزش عالی به تغییر ادامه می‌داد، فعالیت‌های ارزیابی نیز تکامل می‌یافت و روش‌ها و معیارهای مهم از جمله بازخورد، ارزیابی تکوینی و ارزیابی همتایان مطرح شد (لی‌هی و سالازار، ۲۰۱۷).

به بیان پروین و ریگی (۱۴۰۲) بررسی نظام ارزیابی و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و ارزیابی ملاک‌های مورد استفاده در آن و چگونگی اجرای ملاک‌های ارزیابی و اصلاح

کارکرد دیگر اشراف دارد. همچنین شفیعی و شمس (۱۳۹۸) با طراحی الگوهایی برای ارزیابی شایستگی مدیران، نشان دادند که بدون توانمندی مدیریتی و مهارت‌های تخصصی، نظام‌های ارزیابی نمی‌توانند به نتایج ملموس منجر شوند. این مطالعات بر اهمیت تربیت نیروی انسانی حرفه‌ای و آشنایی مدیران با فرآیندهای ارزیابی تأکید دارند.

به گفته کاو و همکاران (۲۰۲۳) فعالیت‌های ارزیابی سال‌ها پیش آغاز شد و قابل ردیابی است (به نقل از گوبا و لینکلن، ۱۹۸۱) و در اواسط دهه ۱۹۶۰، ارزیابی به عنوان یک زمینه علمی در انگلستان و ایالات متحده شروع به توسعه کرد (به نقل از ورتن و سندرز، ۱۹۸۷).

به بیان بازرگان (۱۳۸۰)، ارزیابی در نظام آموزش عالی جهان، چهار دوره، ۱- دهه‌های قبل از سال ۱۹۵۰ میلادی به عنوان دوره آغازین ارزیابی آموزشی، ۲- دهه ۱۹۶۰ میلادی به عنوان دوره طرح ضرورت استفاده از سازوکارهایی جهت سنجیدن فعالیت و برنامه‌های آموزشی، ۳- دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، به عنوان دوره تأکید بر سنجش پویایی نظام-های آموزشی (دوره تحول ارزیابی)، و ۴- دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی، به عنوان دوره هم‌عرض دانستن ارزیابی با توافق درباره اهمیت پدیده‌های آموزشی (براساس دیدگاه فلسفی ساختارگرایی) را طی کرده است. در ایران به بیان جعفری‌ثانی و همکاران (۱۳۹۷) به نقل از نورشاهی، (۱۳۸۳)، ارزیابی به شیوه نظارت دولتی در سال‌های ۱۲۹۰-۱۲۸۹ شکل گرفته است و جعفری‌ثانی و همکاران (۱۳۹۷) ساختار و ماهیت موضوع نظارت و ارزیابی در آموزش عالی ایران بعد از انقلاب اسلامی را به سه دوره تقسیم می‌کنند. دوره اول: الگوبرداری توأم با تغییر گرایش به سمت تمرکززدایی (۱۳۵۸-۱۳۷۳)، دوره دوم: تغییر ساختاری و گرایش به عدم تمرکز (۱۳۷۳-۱۳۸۵) و دوره سوم: رشد کمی آموزش عالی توأم با برگشت به تمرکززدایی همراه با بازنگری در چارچوب عملیاتی

۱. Structuralism



درون تمامی عناصر نظام دانشگاهی نفوذ کند. به بیان بازرگان و فراستخواه (۱۳۹۶)، با وجود یک و نیم دهه کوشش‌های گفتمانی، علمی و آکادمیک برای ارزیابی درونی و برونی آموزش عالی در ایران، هنوز ساختار ملی مناسب و موثری برای نهادمند شدن آن به وجود نیامده است و انعکاس ناکارآمد بودن نظام نظارت و ارزیابی آموزش عالی کشور در مطالعه‌ای با عنوان تأملی بر علل مؤثر بر بروز کژکارکردهای پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران (کیایی- طالقانی و همکاران، ۱۳۹۸) در بخش یافته‌های مطالعه در بیان مشکلات ساختاری با عبارت: نظام مدیریت پژوهش در مراحل نیازسنجی، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی دچار مشکل است، بیان شده است.

به عبارت دیگر هر چند دستیابی به یک نظام نظارت و ارزیابی مدون و با کیفیت نیازمند شناسایی چالش‌ها، مشکلات و نواقص موجود در این زمینه است که ضرورت توجه به طراحی، اصلاح و تقویت این نظام را دوجندان کرده است (پروین و ریگی، ۱۴۰۲) ولیکن به بیان بزرگان (۱۴۰۰) با گذشت بیش از دو دهه از آغاز کوشش‌ها در ارزیابی مستمر در آموزش عالی ایران ارزیابی برونی در آموزش عالی غیرپزشکی هنوز به‌طور سازمان یافته انجام نشده است و در خصوص فرآیند ارزیابی مستمر نیز دلبستگی لازم در مدیران و اعضای هیئت علمی به وجود نیامده است. هر چند در راستای ارزیابی مستمر، سه نهاد ملی شامل: آموزش عالی جامع، پزشکی و مهندسی در سطح کشور دایر است و این نهادها یاری دادن به فرآیند ارزیابی درونی و اجرای برونی را در زمره وظایف خود منظور داشته‌اند ولی به استثنای نهاد ایجاد شده در آموزش پزشکی، دو نهاد دیگر تا کنون نتوانسته‌اند شرایط لازم برای تبدیل شدن به نهاد ملی ارزیابی و اعتبارسنجی را احراز کنند. و در کل به اعتقاد صاعدموچشی و عزیزی (۱۳۹۹) به نقل از عزیزی، (۱۳۹۶) شواهد امر نشان می‌دهد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران به دلیل اتخاذ رویکردی کمیت‌گرایانه در سیاست‌های توسعه‌ای قادر نبوده است به سامانه‌ای اجتماعی مدرن و دارای

نواقص و کمبودهای آن، برای بهبود کیفیت و ارتقاء عملکرد دانشگاه‌ها در اغلب کشورهای جهان به یک مهم تبدیل شده است و نیاز به پژوهش فراوان دارد. ولیکن گزارش اولویت‌های پیشنهادی نظام آموزش عالی و تحقیقات در برنامه هفتم توسعه (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰)، حاکی از آن است که در حوزه آموزش عالی، ضعف ارزیابی و نظارت در نظام آموزش عالی به عنوان یکی از ۱۰ چالش اصلی با ۴ چالش فرعی: ۱- مشخص نبودن نهاد ملی متولی ارزیابی در نظام آموزش عالی کشور، ۲- مبتنی نبودن تصمیمات و سیاست‌ها بر ارزیابی‌ها و نتایج حاصل از آن‌ها، ۳- نبود نهاد ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی کشور و ۴- تعریف شده نبودن دقیق فرآیند ارزیابی و نظارت در نظام آموزش عالی کشور مطرح است. به عبارت دیگر علیرغم تمامی تلاش‌های مستمر و تحقیقات علمی در کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش الزامات سیاستی استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی و پژوهش کشور (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۱)، پس از این‌که سوابق قانونی ارزیابی آموزش عالی و پژوهش در ایران را از سال ۱۳۶۴ ارائه می‌دهد، و نهادهای متولی و یا دخیل را احصا می‌کند، آسیب‌های فعالیت‌های ارزیابی آموزش عالی کشور را طبق ۹ عنوان: ۱- پراکندگی فعالیت‌های ارزیابی، ۲- دولتی و صوری بودن، ۳- ضعف رویکرد علمی و تخصصی، ۴- غلبه رویکرد کنترلی، ۵- مستمر نبودن ارزیابی، ۶- فردگرایی در ارزیابی‌ها، ۷- شفافیت پایین فعالیت‌های ارزیابی، ۸- کم توجهی به ذینفعان مختلف آموزش عالی و پژوهشی و ۹- اثربخش نبودن فعالیت‌های ارزیابی برمی‌شمرد.

به اعتقاد رشیدی (۱۳۹۷) تا کنون نقش و جایگاه نظام نظارت و ارزیابی در آموزش عالی ایران، به فعالیتی تشریفاتی و نمایشی مبدل شده است و یکی از دلایل آن شرایط ساختاری و کارکردی اجزاء و عناصر دانشگاه است که می‌بایست به‌گونه‌ای ساختارهای دانشگاه را بنا نهاد که نظارت و ارزیابی در



به این ترتیب دسته‌بندی چالش‌های نظام نظارت و ارزیابی موسسات آموزش عالی و دانشگاه‌های ایران نیز به عنوان هدف فرعی محقق شد.

روش انجام کار

هدف از انجام پژوهش حاضر شناسایی و استخراج مسائل، چالش‌ها و مشکلات نظام نظارت و ارزیابی دانشگاه‌های ایران است. بر همین اساس این پژوهش کیفی و کاربردی با استفاده از روش مرور نظام‌مند انجام شده است. مطالعات انجام شده در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ از داده‌های هفت پایگاه اطلاعاتی: گنج ایران داک، پایگاه علوم انسانی، سیویلیکا، نور، ISC، SID و Magiran جمع‌آوری و پس از غربالگری، ۳۳ مطالعه منتخب مورد تحلیل قرار گرفتند.

به عبارت دیگر هرچند آخرین آیین‌نامه نظام نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۹۵/۰۱/۱۵ به تصویب رسید اما به منظور گسترش دامنه مطالعات پژوهش حاضر به قبل از تصویب این آیین‌نامه و در نظر گرفتن برشی به عرض حداقل یک دهه، مبنای تاریخی، تشکیل مرکز نظارت و ارزیابی آموزش عالی به‌عنوان نهاد ملی ارزیابی مستمر نظام آموزش عالی در سال ۱۳۹۰ (منتظر و همکاران، ۱۳۹۹) قرار گرفت. در این سال در سطح نظام آموزش عالی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (عتف) مرکز نظارت، ارزشیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی، پژوهش و فناوری (ناتک) را زیر نظر مستقیم وزیر به وجود آورد (بازرگان، ۱۴۰۰). مبنای روایی این پژوهش نظر متخصصان، استاد راهنما و مشاورین بوده است.

قابلیت‌های نظام‌مند تبدیل شود که به موجب آن همه نظام آموزش عالی کشور را با بحران ناکارآمدی تهدید و با چالش‌هایی اساسی مواجه کرده است.

از منظر مرادی‌پور و همکاران (۱۳۹۷) سوال اصلی این است که چرا علی‌رغم اهمیت نظارت و پایش علم و فناوری، تأکیدات اسناد بالادستی و تلاش‌های دستگاه‌های اجرایی در دستیابی به اهداف ترسیم شده در این زمینه موفق نبوده‌ایم. از این رو در این پژوهش در مروری نظام‌مند به شناسایی و استخراج یافته‌های محققین در مورد نظارت و ارزیابی در دانشگاه‌های ایران؛ پرداخته شده است. پژوهش‌هایی که از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ نظارت و ارزیابی در دانشگاه‌های ایران؛ و اقدامات و فعالیت‌های مرتبط با آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند شناسایی و گردآوری و در ادامه یافته‌های محققین در مورد نظارت و ارزیابی در دانشگاه‌های ایران؛ استخراج شده است. این پژوهش به دنبال شناسایی و استخراج یافته‌های محققین در مورد نظارت و ارزیابی در دانشگاه‌های ایران است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل مطالعات انجام‌شده در حوزه نظارت و ارزیابی دانشگاه‌های ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ و ارائه یک تصویر جامع و منسجم از مطالعات موجود است. بر این اساس پاسخ به این پرسش‌ها حاصل خواهد شد که:

چه مطالعاتی و توسط کدام محققین در مورد نظارت و ارزیابی در دانشگاه‌های ایران انجام شده است؟

چه مواردی از چالش‌های نظام نظارت و ارزیابی دانشگاه‌های دولتی و غیرپزشکی ایران برشمرده شده است؟





شکل ۱. فرآیند سرند مطالعات

کنار گذاشته شدند و تعداد ۵۷ پژوهش به‌طور کامل و دقیق مورد مطالعه قرار گرفتند. در ادامه از بین ۵۷ پژوهشی که به‌طور کامل مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند ۳۴ پژوهش نیز علی‌رغم عنوان و چکیده مرتبط در بررسی دقیق و نتایج مطابق با معیارهای انتخاب شناخته نشدند و کنار گذاشته شدند. لیکن به منابع ۵۷ پژوهشی که در مرحله سوم غربالگری و پس از مطالعه چکیده مقالات باقی‌مانده بودند مراجعه شد. در این مرحله پژوهش‌هایی که در بخش منابع ۵۷ مقاله مذکور به آن‌ها ارجاع داده شده بود و در بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ به موضوع نظارت و ارزیابی در دانشگاه‌های ایران، ولو به صورت فرعی پرداخته بودند مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار گرفتند. به این ترتیب ۸ پژوهش که علی‌رغم عنوان، از نظر کیفیت و نتایج منطبق با موضوع پژوهش حاضر بودند یافت شد و در نهایت با اضافه شدن ۲ پژوهش با موضوع نظارت و ارزیابی علم و فناوری، ۳۳ منبع پژوهشی به عنوان منابع نهایی باقی ماندند (شکل ۱). اطلاعات مربوط به پدیدآورندگان، سال انتشار و عنوان ۳۳ مطالعه مذکور در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است.

با توجه به این‌که مرحله ابتدایی هر مرور نظام‌مند شامل جستجوی کامل و منظم پیشینه موجود و مرتبط است، هفت پایگاه اطلاعاتی (۱) گنج ایران داک، (۲) پایگاه علوم انسانی، (۳) سیویلیکا، (۴) نور، (۵) ISC، (۶) SID و (۷) Magiran با ترکیب حداقل یکی از کلیدواژه‌های نظارت، ارزیابی، ارزشیابی و یکی از واژه‌های آموزش عالی، پژوهش، دانشگاه در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ انجام شده است قرار گرفت.

استراتژی جستجو این بود که با ۹ ترکیب: نظارت + آموزش عالی، نظارت + پژوهش، نظارت + دانشگاه، ارزیابی + آموزش عالی، ارزیابی + پژوهش، ارزیابی + دانشگاه، ارزشیابی + آموزش عالی، ارزشیابی + پژوهش و ارزشیابی + دانشگاه، با دید اولیه بسنده کردن به دانشگاه‌های دولتی غیرپزشکی به دلیل ناهمگنی نظارت و ارزیابی در دانشگاه‌های غیر دولتی و دانشگاه‌های علوم پزشکی اقدام شود. پس از جستجو در هفت پایگاه مذکور، تعداد ۷۵۶ منبع در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ احصاء شد. با حذف موارد تکراری، ۱۹۲ منبع پژوهشی به عنوان منابع نهایی انتخاب شدند. با مطالعه چکیده این پژوهش‌ها تعداد ۱۳۵ پژوهش با معیار عدم تطابق با موضوع

جدول ۱. اطلاعات ۳۳ مطالعه استخراج شده در مرور نظام‌مند مطالعات داخلی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲

ردیف	پدیدآورندگان	عنوان مطالعه	سال انتشار
۱	احسان پروین عاطفه ریگی	بررسی انتقادی نظام ملی نظارت و ارزیابی در آموزش عالی ایران: ارائه پیشنهادات سیاستی مطلوب	۱۴۰۲
۲	داود حاتمی حامد کمالی احمد رضا روشن	مطالعه تجارب حکمرانی خوب در آموزش عالی کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی؛ درس‌مایه‌هایی برای آموزش عالی ایران	۱۴۰۲
۳	مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مهدی مهدی	الزامات سیاستی استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی و پژوهش کشور	۱۴۰۱
۴	مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هادی یوسفی	بررسی وضعیت حکمرانی آموزش عالی ۱۰ کشور دنیا از نظر مؤلفه‌های ساختار اداری، تأمین مالی و ارزیابی و تضمین کیفیت و ارائه رویکردهای سیاستی	۱۴۰۱
۵	عباس بازرگان	بازاندیشی درباره ارزیابی مستمر کیفیت در آموزش عالی ایران: ضرورت تقویت نهادهای ملی و بازنگری چارچوب ارزیابی	۱۴۰۰
۶	رضا قربانی حسین عباسیان حمیدرضا آراسته حسن رضا زین‌آبادی	ارزشیابی اثربخشی آموزش در دانشگاه افسری امام علی (ع) بر اساس الگوی EFQM	۱۴۰۰
۷	مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هادی یوسفی حسین نصیری یوسف زراعت‌کیش	اولویت‌های پیشنهادی نظام آموزش عالی و تحقیقات در برنامه هفتم توسعه	۱۴۰۰
۸	شیما مرادی المیرا جنوی مهدی پاکزاد	پایش و ارزیابی وضعیت آموزش عالی ایران بر مبنای اسناد بالادستی کشور	۱۳۹۹
۹	سحر زمانیان هانیه کلاتری‌دهقی عباس خاکپور رضا محمدی	کاربرد ارزیابی درونی برای بهبود کیفیت گروه‌های آموزشی	۱۳۹۹
۱۰	عبدالرضا نوروزی‌چاکلی ساجده عبدی	چالش‌ها، مسائل و الزامات ساختاری پیاده‌سازی نظام ملی ارزیابی اثر بخشی علم، فناوری و نوآوری	۱۳۹۹
۱۱	لطفا... صاعدموچشی نعمت‌اله عزیزی	تحلیل ابعاد کمی و کیفی سیاست‌گذاری نظام آموزش عالی ایران	۱۳۹۹
۱۲	حسین اکبری رضا روشنی مهرداد اسکندری	آسیب‌شناسی نظام ارزشیابی و تضمین کیفیت آموزش	۱۳۹۹
۱۳	قاسم آزادی احمدآبادی	واکاوی نقش نهادهای ارزیابی علم، فناوری و نوآوری کشور و پیشنهاد نظام جامع پایش و ارزیابی	۱۳۹۹
۱۴	غلامرضا ذاکر صالحی	آسیب‌شناسی نظام ارزیابی علم و فناوری در ایران	۱۳۹۸



۱۵	رضا محمدی فاخته اسحاقی	تأکید بر ارزیابی و اعتبارسنجی کیفیت در نظام آموزش عالی ایران در راستای اسناد بالادستی	۱۳۹۸
۱۶	حجت‌اله مرادی‌پور محمد رضا نیستانی مجتبی شرنجانی	ارائه الگوی مناسب در نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت پژوهش و فناوری	۱۳۹۷
۱۷	زهرا رشیدی	تحلیل وضعیت کیفیت آموزشی در دانشگاه‌های ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن	۱۳۹۷
۱۸	پیمان لطفی‌پورسبزی نادر قلی‌قورچیان حمیدرضا آراسته حبیب... سیاری	ارائه مدلی برای ارزیابی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) و ارائه ملاک‌های ارزیابی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)	۱۳۹۸ ۱۳۹۵
۱۹	جواد حاتمی محمد حسن زاده حسین مرادی	ارتقای ساختار نظارت و ارزیابی در دانشگاه‌ها: تجربه دانشگاه تربیت مدرس	۱۳۹۵
۲۰	زهره شاهسون مجتبی بذرافشان مقدم مقصود امین‌خندقی بهروز مهram	رویکرد نظارتی در ارزیابی آموزش عالی: چالش‌ها و راهکارها	۱۳۹۵
۲۱	رضا محمدی مریم زمانی‌فر فاطمه صادقی‌مندی	ارزشیابی و تضمین کیفیت در آموزش عالی فرایندی داوطلبانه یا اجباری؟	۱۳۹۵
۲۲	زهره شاهسون مجتبی بذرافشان مقدم بهروز مهram مقصود امین‌خندقی	نقش هیات‌های نظارت و ارزیابی استانی در آموزش عالی	۱۳۹۵
۲۳	علیرضا مطلبی‌فرد حمیدرضا آراسته عبدالرحیم نوه‌ابراهیم بیژن عبدالهی	واکاوی عوامل موثر بر شکل‌گیری و توسعه کژکاردهای آموزشی عالی در ایران	۱۳۹۵
۲۴	عباس عباسپور محمد مجتبی‌زاده حسن ملکی مقصود فراستخواه	طراحی الگوی اعتبارسنجی و تضمین کیفیت برای نظام آموزش عالی ایران به شیوه‌ی نظریه‌ی زمینه‌ای	۱۳۹۴
۲۵	محسن نظرزاده‌زارع امیرحسین مردانی حبیبه عباسی زهرا عباسی	چالش‌های موجود در ارزیابی درونی (مورد گروه‌های آموزشی علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه‌های دولتی ایران)	۱۳۹۳
۲۶	محمد رحمانپور سلام یعقوبی سهرکاو احمدی بی‌بی‌عشرت زمانی	بررسی شاخص‌های اعتبارسنجی نظام‌های آموزش عالی: با تأکید بر رتبه‌بندی آنها	۱۳۹۳
۲۷	وجیه حکیمی بهروز مهram	آسیب‌شناسی طرح‌های ارزیابی درونی و راه‌های توسعه اثربخشی آن (مطالعه موردی: دانشگاه فردوسی مشهد)	۱۳۹۳

		محمدرضا آهنگیان	
۲۸	محسن نظرزاده‌زارع امیرحسین مردانی	ارزیابی درونی، رویکردی چالش برانگیز در نظام اعتبارسنجی: آسیب شناسی آن در نظام آموزش عالی ایران	۱۳۹۳
۲۹	جواد حاتمی رضا محمدی	طراحی سازمان ملی ارزشیابی، اعتبارسنجی و تضمین آموزش عالی	۱۳۹۲
۳۰	فرهاد سراجی یحیی معروفی طاهره رازقی	شناسایی چالش‌های ارزشیابی از آموخته‌های دانشجویان در نظام آموزش عالی ایران	۱۳۹۲
۳۱	حیدر چوپانی علی اصغر حیات مجتبی زارع خلیلی	ارزیابی کیفیت در نظام آموزش عالی ایران؛ موانع، چالش‌ها و ارائه راهکارها	۱۳۹۱
۳۲	جواد حاتمی رضا محمدی فاخته اسحاقی	چالش ساختارسازی برای نظارت و ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی ایران	۱۳۹۰
۳۳	مصطفی جعفری سیامک نوری داود طالبی	تحلیل عاملی شاخص‌های موثر در نظام جامع ارزیابی عملکرد آموزش عالی کشور	۱۳۹۰

۲- یافته‌های پژوهش

مورد چالش‌ها و الزامات نظام نظارت و ارزیابی در موسسات آموزش عالی، دانشگاه‌ها و نظام علم و فناوری ایران است. یافته‌های محققین پس از استخراج، گردآوری و تجمیع شد. مجموعاً در این ۳۳ مطالعه ۲۲۱ چالش و الزام در نظام نظارت و ارزیابی برشمرده شده است که در ادامه به تفکیک مطالعات از متاخر به متقدم یافته‌های پژوهشگر/پژوهشگران ارائه شده است.

طی مراحل غربال مطالعات مرتبط با مسائل، چالش‌ها و مشکلات نظام نظارت و ارزیابی دانشگاه‌های دولتی و غیرپزشکی ایران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ تعداد ۳۳ پژوهش به دست آمد. علی‌رغم این‌که این پژوهش‌ها با اهداف متنوعی در حوزه دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ایران اجرا شده‌اند، لیکن اشتراک آن‌ها در ارائه یافته‌هایی در

جدول ۲. کدگذاری باز ۳۳ مطالعه منتخب

کدگذاری باز	
۱-تعدد نهادهای نظارت و ارزیابی. ۲- نبود معیارهای شفاف، مشخص و استاندارد برای سنجش، نظارت، ارزیابی و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها. ۳- تمرکزگرایی در حوزه ارزیابی دانشگاه‌ها، مؤسسات و مراکز آموزش عالی از جانب دولت و حاکمیت. ۴- عدم اعتقاد، اعتماد و باور دانشگاهیان نسبت به اهمیت و فایده نظارت و ارزیابی. ۵- عدم وجود یک پایگاه اطلاعاتی مناسب و جامع به منظور ارزیابی و اعتبارسنجی. ۶- فقدان وجود فرهنگ پاسخ‌گویی، پیگیری، مطالبه‌گری و ارزیابی در نظام آموزش عالی. ۷- عدم وجود یک نهاد متولی ملی نظارت و ارزیابی دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی.	
۱- فقدان پایگاه اطلاعاتی. ۲- عدم تضمین کیفیت است.	
۱- پراکندگی فعالیت‌های ارزیابی. ۲- دولتی و صوری بودن. ۳- ضعف رویکرد علمی و تخصصی. ۴- غلبه رویکرد کنترلی. ۵- مستمر نبودن ارزیابی. ۶- فردگرایی در ارزیابی‌ها. ۷- شفافیت پایین فعالیت‌های ارزیابی. ۸- کم توجهی به ذینفعان مختلف آموزش عالی و پژوهشی. ۹- اثربخش نبودن فعالیت‌های ارزیابی	
۱- منسجم نبودن ساختار سیاست‌گذاری. ۲- خروجی‌های نامشخص نظام ارزیابی، نظارت و تضمین کیفیت. ۳- عدم ابتنای تصمیمات بر نتایج ارزیابی. ۴- مشکلات نظام تأمین مالی و تخصیص آن که مبتنی بر عملکرد نبوده.	



۱- کم توجهی به پیامدهای یادگیری. ۲- غریب بودن مفهوم کیفیت در آموزش عالی. ۳- ناآشنایی اعضای هیئت علمی با فرآیند ارزیابی درونی. ۴- مشخص نبودن اهمیت ارزیابی. ۵- تاکید بر کمیت. ۶- کم توجهی به فعالیت آموزشی در مقایسه با فعالیت پژوهشی. ۷- حساسیت ناکافی به محیط پیرامون. ۸- ناکارآمدی آیین نامه ترفیع و ارتقا. ۹- کم توجهی سیاست‌گذاران و مدیران. ۱۰- عدم تخصیص منابع مالی کافی جهت ارزیابی در سطح دانشگاه.	
۱- عدم سنجش کارایی و اثربخشی برون‌دادها. ۲- عدم ارائه راه حل به منظور رفع ضعف‌ها. ۳- عمدتاً درون سازمانی. ۴- متمرکز بر متغیرهای درونی. ۵- گذشته نگر (ناتوان در سناریو سازی برای آینده).	
۱- مشخص نبودن نهاد ملی متولی ارزیابی در نظام آموزش عالی کشور. ۲- مبتنی نبودن تصمیمات و سیاست‌ها بر ارزیابی‌ها و نتایج حاصل از آن‌ها. ۳- نبود نهاد ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی کشور. ۴- تعریف شده نبودن فرآیند ارزیابی و نظارت در نظام آموزش عالی کشور.	
۱- شاخص استاندارد و قابل قبولی برای ارزیابی وجود ندارد. ۲- ارزیابی‌ها به صورت مستمر و سالانه اجرا نشده است.	
۱- نیاز به نهادینه کردن فرهنگ ارزیابی. ۲- نتایج فرآیند ارزیابی بازخورد داده نمی شود. ۳- لزوم ایجاد ساز و کار منظم برای ارزیابی مستمر و پویا. ۴- کمبود معاونت ارزیابی و نظارت و تضمین کیفیت در وزارت عتف.	
۱- ناهماهنگی در ارائه آمار و اطلاعات مربوط به شاخص‌ها. ۲- نبود سازوکاری نظام‌مند به منظور انعکاس پیشرفت‌ها. ۳- نبود جامعیت و مانعیت لازم در برآورد درست از وضعیت. ۴- سردرگمی نظام‌ها در زمینه نحوه مشارکت با سازمان و مراکز دست‌اندرکار ارزیابی. ۵- فقدان نظامی مکانیزه، تعاملی، فراگیر و ساختارمند که فرآیند دریافت، پردازش و خروجی اطلاعات. ۶- عدم انطباق مأموریت‌ها و حوزه عملکردی با اهداف کلان ملی. ۷- نیاز به نهادی فرابخشی که بتواند ارزیابی‌های خرد را در قالب نظامی کلان انجام دهد. ۸- درگیر شدن در اجرای فرایند سنجش و ارزیابی، بعد نظارتی و راهبری ارزیابی با مشکل مواجه می‌سازد. ۹- فاصله داشتن دامنه کاری در برخی از سازمان‌ها در مقایسه با نرم‌های بین‌المللی. ۱۰- نبود پیوند میان شاخص‌ها و نظام ارزیابی‌های در مراکز نظارتی نظیر مرکز پژوهش‌های منبوع میان شاخص‌ها و نظام ارزیابی‌های در مراکز نظارتی نظیر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی یا در وزارتخانه‌های تخصصی	۰
۱- نبود نظام جامع نظارت، ارزیابی و اعتبارگذاری در عرصه آموزش عالی. ۲- کافی نبودن پویایی در نظام آموزش عالی برای پاسخگویی متناسب به نیازهای جامعه. ۳- کم توجهی به پرورش مهارت‌ها، کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری در نظام آموزشی. ۴- گسست ارتباطات دانشگاه‌ها با مؤسسه‌های تحقیقاتی و جامعه پیرامون.	۱
۱- عدم وجود چشم انداز و برنامه راهبردی و به تبع آن زبان و اندیشه مشترک از مفاهیم و اصطلاحات مذکور ازجمله کیفیت. ۲- سازوکارها و روش‌های پیشنهادی متفاوت و بعضاً متناقض برای اجرایی کردن آن‌ها. ۳- ساختار مشخص و مناسب ارزشیابی و تضمین کیفیت در سطح دانشگاه. ۴- عدم وجود ارتباط و زبان مناسبی بین مدیران و تصمیم‌گیران حوزه‌های ذی‌صلاح و صاحب‌نظر: حوزه ارزشیابی آموزشی. ۵- عدم وجود پایگاه اطلاعاتی مناسب و متناسب با نیازهای اطلاعاتی سامانه ارزشیابی و تضمین کیفیت. ۶- عدم تبعیت از الگوی جامع ارزشیابی (نبود بازخورد در چرخه ارزشیابی). ۷- فقدان اندیشه مشارکتی در نظام ارزشیابی و تضمین کیفیت آموزش. ۸- فقدان برنامه‌ریزی استراتژیک در نظام آموزشی. ۹- عدم توجه به حوزه ارزشیابی و تضمین کیفیت آموزشی به‌عنوان یک حوزه تخصصی و نگاه غیرکارشناسی و غیرتخصصی.	۲
۱- شکل‌گیری نهادهای متعدد در این حوزه یا تغییر وظایف آن‌ها. ۲- فقدان نگاه نظام‌مند به ایجاد و تعریف کارکردهای این نهادها. ۳- پراکنده‌کاری، یکپارچه نبودن و تخصیص بودجه‌های کلان نهادهای مختلف برای ارزیابی علم، فناوری و نوآوری. ۴- نبود نهادی واحد که به‌صورت رسمی چنین وظیفه‌ای را بر عهده داشته باشد. ۵- موازی‌کاری و کار تکراری زیادی در بین این نهادها. ۶- عدم وجود نهاد قانونی برای نظارت بر صحت عملکرد هر بازیگر و نهاد و عدم شفافیت مأموریت‌ها و گاه موازی بودن یا همپوشانی مأموریت‌ها. ۷- کسب تصویر دقیق و به‌روز از علم و فناوری کشور، نیازمند وجود آمار و اطلاعات روزآمد و موثق است. ۸- ساختار فعلی نظام نظارت و ارزیابی علم و فناوری کشور چندپاره، بخشی و گسسته است.	۳
۱- تولیدگرایی و شاخص محوری محض. ۲- غفلت از فرآیندها و عملکردهای واقعی. ۳- بی توجهی ارزیابان به چرخه‌ی پویای تولید، انتقال، ترویج، مصرف و کاربرد علم. ۴- فقدان الگو و روش ارزیابی. ۵- ضعف در نگاشت نهادی و تقسیم کار ملی. ۶- کاستی در مشارکت همه ذی‌نفعان. ۷- کم توجهی به تأثیرات اجتماعی علم و فناوری. ۸- سامانه‌های ناقص و بی‌سامان. ۹- ضعف در رکن بازخورد، یادگیری و بهبود. ۱۰- نگاه یکسان به همه علوم و رشته‌ها.	۴
۱- عدم وجود ساختار مناسب ارزشیابی و تضمین کیفیت در سطح کلان نظام آموزش عالی. ۲- نبود ساختار علمی و مناسب ارزشیابی و تضمین کیفیت در سطح دانشگاه. ۳- عدم وجود سند چشم‌انداز و برنامه راهبردی در حوزه ارزشیابی کیفیت. ۴- عدم وجود الزامات قانونی و سازوکارهای انگیزشی لازم. ۵- عدم وجود استانداردهای مشخص درباره کیفیت نظام آموزش عالی. ۶- عدم وجود بودجه مشخص سالانه	۵



	برای فعالیت‌های ارزیابی کیفیت. ۷- عدم توجه به نتایج و یافته‌های فعالیت‌های ارزشیابی کیفیت و نبود اتصال بین ارزیابی با سایر کارکردهای مدیریتی نظام آموزش عالی. ۸- عدم وجود تعاملات بین‌المللی با نهادهای تضمین کیفیت. ۹- کمبود منابع انسانی متخصص و عدم ارائه دوره‌های آموزشی در نظام دانشگاهی برای تربیت نیروی انسانی متخصص در سطح تحصیلات تکمیلی در حوزه تخصصی ارزشیابی آموزشی.
۶	۱- پراکنده و بدون برخورداری از الگویی منسجم.
۷	۱- ارزیابی از چارچوب مشخص و منسجمی برخوردار نیست. ۲- ارزیابی بسیار موسمی و ناپایدار است. ۳- ارزیابی استمرار ندارد. ۴- بهبود کل نظام دانشگاه مورد توجه قرار نگرفته است.
۸	۱- عدم وجود یک نظام ارزیابی برای ابعاد مختلف سازمان. ۲- ضرورت به‌روزرسانی و ارتقای ملاک‌های ارزیابی بر مبنای تغییر در مأموریت و سیاست‌های سازمان. ۳- لزوم تعیین فلسفه و اهداف ارزیابی به طور شفاف و مشخص و در تمامی مراحل ارزیابی. ۴- استفاده از بازخورد اخذ شده از ارزیابی در تصمیم‌گیری و تبیین خط مشی. ۵- لزوم ایجاد ساز و کار اجرایی مناسب. ۶- نیاز به مولفه‌ها و ملاک‌های تخصصی هر رشته.
۹	۱- پراکندگی فعالیت‌ها، مستمر نبودن و انجام مقطعی. ۲- برخورد غیر علمی و سلیقه‌ای به دلیل نبود یک برنامه جامع و علمی نظارت و ارزیابی منطبق با ایران. ۳- عدم وجود فضای رقابتی. ۴- نبود بانک اطلاعاتی و آمار جامع. ۵- نبود نظام جامع آمار و اطلاعات. ۶- محدودیت اختیارات مدیریت نظارت و ارزیابی. ۷- عدم جدیت مدیران در اثربخشی نتایج. ۸- نبود بستر فرهنگی. ۹- کمبود امکانات و زیرساخت‌ها. ۱۰- تاثیر روانی ساختار: سلسله مراتب بروکراتیک موجب محدودیت عملیاتی و اجرایی می‌گردد. ۱۱- متمرکز نبودن همه فعالیت‌ها. ۱۲- متخصص نبودن مدیران مربوطه و عدم برخورداری از دانش حرفه‌ای و تجربه زیسته لازم در حوزه ارزیابی. ۱۳- عدم همطرازی: پایین تر بودن نظارت و ارزیابی نسبت به سایر معاونت‌ها.
۱۰	۱- کیفیت پایین و نگران کننده علمی و آموزشی در اغلب زیرنظام‌ها. ۲- عدم پاسخ‌دهی کاربرگ‌های ارزیابی به نیازهای واقعی. ۳- عدم وجود شاخص‌های کیفی جهت ارزیابی. ۴- عدم وجود آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و مقررات به‌روز نظارت و ارزیابی. ۵- عدم وجود اختیارات کافی. ۶- عدم وجود ساختار سازمانی مستقل و مناسب. ۷- تداخل برخی فعالیت‌ها. ۸- وجود ضعف در حمایت و پشتیبانی. ۹- عدم تلقی جدی فعالیت‌ها. ۱۰- وجود گستردگی، پراکندگی و تفاوت ماهیتی در زیرنظام‌ها. ۱۱- فقدان نظام یکپارچه اطلاع رسانی و تبادل اطلاعات مربوط به هر یک از زیر نظام‌ها. ۱۲- عدم وجود شاخص‌ها و معیارهای یکپارچه و مشخص نظارت و ارزیابی به تناسب زیرنظام‌ها.
۱	۱- فرهنگی ارزیابی گسترش لازم را پیدا نکرده است.
۲	۱- فرهنگ ارزیابی توسعه و ترویج نیافته است.
۳	۱- ضعف ساختار مدیریتی و نظارتی. ۲- نبود سیستم پاسخگویی.
۴	۱- هدف و چارچوب مشخصی نداشته است. ۲- از یک روش شناسی والگوی مشخص پیروی نکرده است. ۳- تداوم و استمرار لازم نداشته است. ۴- دیدگاه سیستمی مورد توجه قرار نگرفته و تک بعدی بوده است. ۵- بنا بر ضرورت و مصلحت انجام می‌گرفته است. ۶- مشارکت، همکاری و دلبستگی جامعه دانشگاهی را به دنبال نداشته است. ۷- ظرفیت سازی برای اعتبار سنجی، بهبود، ارتقاء و تضمین کیفیت نظام آموزش عالی را به دنبال نداشته است. ۸- ساختار علمی و نظام‌دار برای مدیریت و رهبری آن شکل نگرفته است.
۵	۱- زمان‌بر بودن فرآیند ارزیابی. ۲- ملاک و نشان‌گرهای زیاد. ۳- استفاده کم از یافته‌ها و نتایج ارزیابی درونی گروه آموزشی در تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص امکانات به گروه. ۴- مقاومت فرهنگی. ۵- نبود ضمانت اجرا.
۶	۱- رویکرد نظارتی در ارزیابی نظام آموزش عالی ایران. ۲- رویکرد دولتی و تمرکزگرایانه. ۳- نبود نگاه کل‌گرا و سیستمی.
۷	۱- عدم پیشرفت ارزیابی درونی. ۲- عدم پیگیری طرح‌ها. ۳- عدم اطلاع‌رسانی. ۴- عدم همکاری اعضا. ۵- عدم وجود پایگاه جامع اطلاعاتی. ۶- به روز نبودن اطلاعات. ۷- عدم رعایت اصل محرمانگی. ۸- عدم وجود متولی. ۹- عدم اطلاع رسانی نتایج. ۱۰- عدم باور به کاربست یافته‌های ارزیابی. ۱۱- عدم فرهنگ سازی. ۱۲- کمبود مشوق‌های مالی و پژوهشی و عدم وجود انگیزه. ۱۳- عدم برگزاری کارگاه آموزشی.



۱۴- عدم حمایت مسئولین ارشد. ۱۵- اطلاع رسانی کم. ۱۶- عدم دارا بودن تخصص ارزیابی. ۱۷- عدم آشنایی با روش‌های تحلیل آماری. ۱۸- عدم توجه به تفاوت گروه‌ها آموزشی.	
۱- تعدد ملاک‌های ارزیابی. ۲- مشکلات متدولوژی. ۳- نبود ساختار سازمانی. ۴- ماهیت دولتی. ۵- عدم پیگیری یافته‌ها. ۶- نهادینه نشدن ساز و کار موثر و کافی. ۷- وجود بروکراسی. ۸- مشارکت اندک اعضای هیئت علمی. ۹- عدم ضمانی اجرای نتایج. ۱۰- عدم همراهی منجر به عدم وجود مشارکت درون‌زا و ابتکار عمل. ۱۱- عدم ثبات مدیریت. ۱۲- عدم استقبال در گروه‌های آموزشی. ۱۳- فقدان انگیزه. ۱۴- عدم اختصاص امتیاز. ۱۵- عدم وجود تشویق. ۱۶- دلسردی ناشی از عدم ضمانت اجرا. ۱۷- عدم رواج فرهنگ ارزیابی.	۸
۱- فقدان نظام جامع نظارت و ارزیابی. ۲- فقدان نظام کارآمد نظارت و ارزیابی. ۳- نبود ساز و کارهای موثر در اصلاح روندها. ۴- عدم وجود اختیارات کافی. ۵- عدم وجود انعطاف برای پاسخگویی سریع به نیازها. ۶- عدم وجود پویایی.	۹
۱- عدم آشنایی اساتید با اهداف ارزشیابی. ۲- موانع ساختار نظام آموزش عالی. ۳- بی توجهی به پیامدهای منفی ارزشیابی. ۴- نبود بسترهای لازم برای ارزشیابی مستمر. ۵- عدم توجه به کسب مهارت‌های سطوح بالا. ۶- عدم تأکید شیوه‌های ارزشیابی به حیطه‌های مختلف یادگیری.	۱۰
۱- نظارت و ارزیابی موسمی است. ۲- نظارت و ارزیابی استمرار ندارد. ۳- نظارت و ارزیابی ساختار مناسب ندارد. ۴- بهبود کل دانشگاه مورد توجه نیست.	۱۱
۱- نداشتن یک چشم انداز و برنامه راهبردی در حوزه ارزیابی. ۲- عدم توجه به حوزه ارزیابی آموزشی به عنوان یک حوزه تخصصی. ۳- عدم توجه به دانش و تجربه بین‌المللی. ۴- عدم توجه به نتایج و یافته‌های ارزیابی. ۵- عدم ارتباط بین کارکردهای مدیریتی ارزشیابی. ۶- عدم تبعیت کامل از یک الگوی جامع ارزشیابی. ۷- ابهام عملکردی انجمن‌های تخصصی مرتبط. ۸- معیوب ماندن ارزیابی درونی و عدم اتصال به ارزیابی بیرونی. ۹- عدم وجود پایگاه اطلاعاتی مناسب و به‌روز. ۱۰- عدم ارتباط و زبان مشترک بین صاحب‌نظران ارزشیابی و مدیران تصمیم ساز. ۱۱- کاربرد غلط اصطلاحات ارزشیابی. ۱۲- عدم استفاده از کارشناسان متخصص در حوزه ارزیابی. ۱۳- نبود ساختار مشخص و مناسب در سطح ملی و دانشگاهی.	۱۲
۱- نبود توجه کافی به امر ارزشیابی. ۲- نبود فناوری اطلاعات و ارتباطات لازم. ۳- نبود توجه کافی به عملکرد دفاتر نظارت و ارزیابی. ۴- عدم تنظیم برنامه‌ها بر مبنای شاخص‌ها.	۱۳

کدهای باز، مرحله کدگذاری محوری انجام شد. در این مرحله، کدها به دسته‌های محوری تقسیم‌بندی شدند که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. در این جدول با تکمیل فرآیند کدگذاری باز و تحلیل آن‌ها، کدهای محوری بر اساس الگوهای مشترک و روابط معنادار بین مفاهیم استخراج شده از داده‌ها معرفی شدند.

در فرآیند تحلیل محتوای داده‌ها، ۲۲۱ مشکل یا الزام مورد نظر محققین به عنوان کد باز شناسایی و استخراج شد. این کدهای باز در جدول شماره ۲ به تفکیک شماره مطالعه منتخب، به عنوان کدگذاری اولیه نشان داده شده است. در مرحله بعد با تجزیه و تحلیل کدهای باز و با هدف ایجاد ارتباطات معنادار و سازماندهی مفاهیم شناسایی شده از

جدول ۳. کدگذاری محوری اطلاعات ۳۳ مطالعه منتخب

ردیف	کد محوری	فراوانی
۱	مطالعه ۲۷ کد [۱]، مطالعه ۳۲ کد [۸]، مطالعه ۳ کد [۱]، مطالعه ۷ کد [۴]، مطالعه ۶ کد [۴]، مطالعه ۱۸ کد [۱]، مطالعه ۶ کد [۳]، مطالعه ۲۰ کد [۲]، مطالعه ۱۰ کد [۸]، مطالعه ۳۰ کد [۳]، مطالعه ۱۴ کد [۲]، مطالعه ۱۹ کد [۱۱]، مطالعه ۲۵ کد [۱]، مطالعه ۱۷ کد [۱]، مطالعه ۲۴ کد [۱]، مطالعه ۱۸ کد [۵]، مطالعه ۲۹ کد [۳]، مطالعه ۲۸ کد [۶]، مطالعه ۲۸ کد [۲]، مطالعه ۱۴ کد [۴]، مطالعه ۱۶ کد [۱]، مطالعه ۲۴ کد [۲]، مطالعه ۳۲ کد [۶]، مطالعه ۱۲ کد [۶]	۲۴



۲	مطالعه ۲۵ کد [۳]، مطالعه ۳۲ کد [۴]، مطالعه ۴ کد [۳]، مطالعه ۷ کد [۲]، مطالعه ۱۵ کد [۷]، مطالعه ۲۷ کد [۱۰]، مطالعه ۳ کد [۹]، مطالعه ۱۹ کد [۷]، مطالعه ۹ کد [۲]، مطالعه ۱۴ کد [۸]، مطالعه ۱۸ کد [۴]، مطالعه ۴ کد [۲]، مطالعه ۲۸ کد [۵]، مطالعه ۲۷ کد [۲]، مطالعه ۶ کد [۲]، مطالعه ۶ کد [۱]	ضعف در استفاده مؤثر از نتایج ارزیابی و بازخوردها	۱۶
۳	مطالعه ۱۴ کد [۱]، مطالعه ۵ کد [۱۰]، مطالعه ۱ کد [۲]، مطالعه ۸ کد [۱]، مطالعه ۲۰ کد [۳]، مطالعه ۲۰ کد [۱۲]، مطالعه ۳۳ کد [۴]، مطالعه ۲۵ کد [۲]، مطالعه ۲۸ کد [۱]، مطالعه ۱۸ کد [۲]، مطالعه ۱۰ کد [۹]، مطالعه ۱۰ کد [۱۰]، مطالعه ۱۰ کد [۱]، مطالعه ۵ کد [۵]، مطالعه ۲۰ کد [۴]	فقدان شاخص‌های شفاف و استاندارد	۱۵
۴	مطالعه ۲۷ کد [۱۲]، مطالعه ۲۸ کد [۱۳]، مطالعه ۲۸ کد [۱۲]، مطالعه ۱ کد [۴]، مطالعه ۱۰ کد [۴]، مطالعه ۲۴ کد [۷]، مطالعه ۲۸ کد [۸]، مطالعه ۱۲ کد [۷]، مطالعه ۲۸ کد [۱۰]، مطالعه ۲۷ کد [۴]، مطالعه ۲۸ کد [۱۵]، مطالعه ۱۵ کد [۴]، مطالعه ۲۸ کد [۱۳]، مطالعه ۱۹ کد [۳]	فقدان انگیزه و مشوق‌های لازم برای مشارکت و همکاری در نظام ارزیابی	۱۴
۵	مطالعه ۱ کد [۵]، مطالعه ۲ کد [۲]، مطالعه ۱۰ کد [۵]، مطالعه ۱۲ کد [۵]، مطالعه ۱۳ کد [۷]، مطالعه ۱۹ کد [۴]، مطالعه ۱۹ کد [۵]، مطالعه ۲۷ کد [۵]، مطالعه ۲۷ کد [۶]، مطالعه ۳۲ کد [۹]، مطالعه ۲۰ کد [۱۱]، مطالعه ۳۳ کد [۲]، مطالعه ۱۴ کد [۹]	نیاز به پایگاه‌های جامع و به‌روز اطلاعات و آمار	۱۳
۶	مطالعه ۲۷ کد [۱۶]، مطالعه ۳۲ کد [۲]، مطالعه ۳ کد [۳]، مطالعه ۱۲ کد [۹]، مطالعه ۱۵ کد [۹]، مطالعه ۱۹ کد [۱۲]، مطالعه ۳۲ کد [۱۱]، مطالعه ۳۲ کد [۱۲]، مطالعه ۱۹ کد [۲]، مطالعه ۳۲ کد [۷]، مطالعه ۳۰ کد [۵]، مطالعه ۲۷ کد [۱۳]، مطالعه ۱۴ کد [۳]	فقدان توجه به تخصص، مهارت و رویکرد علمی در ارزیابی	۱۳
۷	مطالعه ۵ کد [۲]، مطالعه ۱۲ کد [۳]، مطالعه ۱۵ کد [۵]، مطالعه ۱۵ کد [۱]، مطالعه ۱۵ کد [۲]، مطالعه ۱۵ کد [۶]، مطالعه ۲۰ کد [۱]، مطالعه ۷ کد [۳]، مطالعه ۲ کد [۱]، مطالعه ۲۴ کد [۸]، مطالعه ۱۵ کد [۸]، مطالعه ۱۹ کد [۹]، مطالعه ۲۷ کد [۷]	فقدان ساختار و استانداردهای مناسب برای تضمین کیفیت	۱۳
۸	مطالعه ۲۴ کد [۴]، مطالعه ۲۶ کد [۳]، مطالعه ۱۳ کد [۲]، مطالعه ۶ کد [۵]، مطالعه ۳۲ کد [۳]، مطالعه ۱۰ کد [۶]، مطالعه ۵ کد [۷]، مطالعه ۱۵ کد [۳]، مطالعه ۳۲ کد [۱]، مطالعه ۱۲ کد [۱]، مطالعه ۱۲ کد [۸]، مطالعه ۵ کد [۹]	فقدان دیدگاه سیستمی و برنامه‌ریزی راهبردی در نظارت و ارزیابی	۱۲
۹	مطالعه ۳ کد [۵]، مطالعه ۸ کد [۲]، مطالعه ۹ کد [۳]، مطالعه ۱۷ کد [۲]، مطالعه ۱۷ کد [۳]، مطالعه ۱۹ کد [۱]، مطالعه ۳۱ کد [۲]، مطالعه ۲۴ کد [۳]، مطالعه ۳۰ کد [۴]، مطالعه ۳۱ کد [۱]، مطالعه ۱۱ کد [۲]، مطالعه ۲۹ کد [۶]	ضعف در اجرای ارزیابی‌های مستمر و پویا	۱۲
۱۰	مطالعه ۴ کد [۱]، مطالعه ۱۳ کد [۸]، مطالعه ۲۰ کد [۶]، مطالعه ۲۳ کد [۱]، مطالعه ۲۴ کد [۹]، مطالعه ۲۸ کد [۳]، مطالعه ۳۰ کد [۲]، مطالعه ۳۱ کد [۳]، مطالعه ۳۲ کد [۱۳]، مطالعه ۱۹ کد [۱۰]، مطالعه ۲۹ کد [۲]	انسجام ناکافی و ضعف در ساختار نظام نظارت و ارزیابی	۱۱
۱۱	مطالعه ۲۵ کد [۴]، مطالعه ۲۴ کد [۵]، مطالعه ۹ کد [۱]، مطالعه ۲۲ کد [۱]، مطالعه ۲۷ کد [۱۱]، مطالعه ۲۸ کد [۱۷]، مطالعه ۳ کد [۶]، مطالعه ۲۰ کد [۹]	فقدان نهادهای ساز و توسعه فرهنگ ارزیابی	۱۰
۱۲	مطالعه ۳ کد [۲]، مطالعه ۲۸ کد [۴]، مطالعه ۱ کد [۳]، مطالعه ۲۶ کد [۲]، مطالعه ۳ کد [۴]، مطالعه ۲۶ کد [۱]، مطالعه ۲۸ کد [۱۱]، مطالعه ۵ کد [۸]، مطالعه ۲۸ کد [۷]	رویکرد کنترلی و تمرکزگرایانه دولت	۹



۸	ناکافی بودن شفافیت، اطلاع‌رسانی و پاسخگویی	مطالعه ۳ کد [۷]، مطالعه ۱۸ کد [۳]، مطالعه ۲۷ کد [۳]، مطالعه ۲۷ کد [۹]، مطالعه ۲۷ کد [۱۵]، مطالعه ۱ کد [۶]، مطالعه ۲۳ کد [۲]، مطالعه ۱۰ کد [۲]
۶	گسست ارتباطات و عدم هماهنگی در ارزیابی	مطالعه ۱۱ کد [۴]، مطالعه ۳۲ کد [۱۰]، مطالعه ۱۲ کد [۴]، مطالعه ۳۲ کد [۵]، مطالعه ۲۰ کد [۷]، مطالعه ۱۲ کد [۲]
۵	تعدد نهادها و موازی‌کاری در نظارت و ارزیابی	مطالعه ۱ کد [۱]، مطالعه ۱۳ کد [۱]، مطالعه ۱۳ کد [۵]، مطالعه ۱۳ کد [۶]، مطالعه ۱۴ کد [۵]
۵	توجه ناکافی به تفاوت علوم و رشته‌ها در نظارت و ارزیابی	مطالعه ۱۸ کد [۶]، مطالعه ۱۴ کد [۱۰]، مطالعه ۲۷ کد [۱۸]، مطالعه ۳۰ کد [۶]، مطالعه ۵ کد [۶]
۴	فقدان نهاد متولی ملی در نظارت و ارزیابی	مطالعه ۲۷ کد [۸]، مطالعه ۱ کد [۷]، مطالعه ۷ کد [۱]، مطالعه ۱۰ کد [۷]
۴	فقدان نظام جامع نظارت، ارزیابی و اعتبارگذاری	مطالعه ۱۱ کد [۱]، مطالعه ۲۹ کد [۱]، مطالعه ۱۰ کد [۳]، مطالعه ۱۳ کد [۴]
۴	محدودیت اختیارات در مدیریت نظارت و ارزیابی	مطالعه ۱۹ کد [۶]، مطالعه ۲۹ کد [۴]، مطالعه ۲۰ کد [۵]، مطالعه ۲۹ کد [۵]
۴	ناآشنایی اساتید و اعضای هیئت علمی با اهداف و روش‌های ارزیابی	مطالعه ۳۰ کد [۱]، مطالعه ۲۷ کد [۱۷]، مطالعه ۵ کد [۳]، مطالعه ۵ کد [۴]
۴	ضعف در حمایت از نظام‌های نظارت و ارزیابی	مطالعه ۲۰ کد [۸]، مطالعه ۲۷ کد [۱۴]، مطالعه ۳۳ کد [۳]، مطالعه ۳۳ کد [۱]
۴	نبود ضمانت اجرا در نتایج ارزیابی	مطالعه ۲۵ کد [۵]، مطالعه ۲۸ کد [۹]، مطالعه ۲۸ کد [۱۶]، مطالعه ۴ کد [۴]
۴	توجه ناکافی به بهبود کل نظام دانشگاه در نظارت و ارزیابی	مطالعه ۱۷ کد [۴]، مطالعه ۳۱ کد [۴]، مطالعه ۱۱ کد [۳]، مطالعه ۵ کد [۱]
۳	کم توجهی به ذینفعان و عدم مشارکت ایشان در نظارت و ارزیابی	مطالعه ۳ کد [۸]، مطالعه ۱۴ کد [۶]، مطالعه ۱۴ کد [۷]
۲	گسترده‌گی و پراکندگی نظام‌های نظارت و ارزیابی	مطالعه ۲۰ کد [۱۰]، مطالعه ۱۳ کد [۳]
۲	کمبود معاونت ارزیابی در وزارت عتف	مطالعه ۹ کد [۴]، مطالعه ۱۹ کد [۱۳]

همچنین، چالش‌هایی مانند نیاز به پایگاه‌های جامع اطلاعاتی، عدم توجه به تخصص و رویکرد علمی در ارزیابی و فقدان ساختار و استانداردهای مناسب برای تضمین کیفیت نشان‌دهنده مشکلاتی در زیرساخت‌های اطلاعاتی و علمی نظام ارزیابی هستند.

مواردی مانند گستردگی و پراکندگی نظام‌های نظارت و ارزیابی و فقدان معاونت نظارت و ارزیابی در وزارت عتف با کمترین درصد فراوانی در ردیف دلایلی با درصد فراوانی کمتر از ۲ درصد

در صدر این موارد، ضعف پیشرفت و انسجام در الگوها و فرآیندهای ارزیابی با ۲۴ بار تکرار، بیشترین چالش مطرح‌شده در نظام نظارت و ارزیابی آموزش عالی است و حدود ۱۱٪ فراوانی از کل موارد را تشکیل می‌دهد. پس از آن، فقدان استفاده مؤثر از نتایج ارزیابی و بازخوردها و فقدان شاخص‌های شفاف و استاندارد هر کدام با ۷٪ فراوانی در رتبه بعدی قرار دارند. این آمار نشان می‌دهد که تمرکز اصلی چالش‌های نظام نظارت و ارزیابی بر ناکارآمدی فرآیندهای اجرایی، نبود شاخص‌های مشخص و ضعف در استفاده از نتایج ارزیابی است.

گنجانده شده است که در جدول شماره ۳ به تفکیک با استفاده از روش تحلیل محتوا ۲۶ کد محوری استخراج شده از ۲۲۱ گزاره در ۸ دسته اصلی چالش‌های نظام نظارت و ارزیابی تقسیم بندی شدند (جدول شماره ۴)

جدول ۴. کدگذاری انتخابی اطلاعات ۳۳ مطالعه منتخب

کد انتخابی	کد محوری
چالش‌های منابع انسانی و مهارت‌های تخصصی	فقدان انگیزه و مشوق‌های لازم برای مشارکت و همکاری در نظام ارزیابی
	فقدان توجه به تخصص، مهارت و رویکرد علمی در ارزیابی
	ناآشنایی اساتید و اعضای هیئت علمی با اهداف و روش‌های ارزیابی
ضعف در استانداردسازی، شاخص سازی و اعتباربخشی	ضعف پیشرفت و انسجام در الگوها و فرآیندهای ارزیابی
	فقدان شاخص‌های شفاف و استاندارد
	فقدان ساختار و استانداردهای مناسب برای تضمین کیفیت
	توجه ناکافی به تفاوت علوم و رشته‌ها در نظارت و ارزیابی
	فقدان نظام جامع نظارت، ارزیابی و اعتبارگذاری
ضعف در زیرساخت‌های اطلاعاتی و پشتیبانی	نیاز به پایگاه‌های جامع و به‌روز اطلاعات و آمار
	ناکافی بودن شفافیت، اطلاع رسانی و پاسخگویی
	ضعف در حمایت از نظام‌های نظارت و ارزیابی
ضعف در سیاست‌گذاری، راهبرد و اختیارات	فقدان دیدگاه سیستمی و برنامه‌ریزی راهبردی در نظارت و ارزیابی
	رویکرد کنترلی و تمرکزگرایی دولت
	محدودیت اختیارات در مدیریت نظارت و ارزیابی
ضعف در فرهنگ‌سازی و مشارکت ذینفعان	فقدان نهادینه‌سازی و توسعه فرهنگ ارزیابی
	کم توجهی به ذینفعان و عدم مشارکت ایشان در نظارت و ارزیابی
گسست در هماهنگی و ارتباطات سازمانی	گسست ارتباطات و عدم هماهنگی در ارزیابی
نارسایی در طراحی ساختار کلان نظام نظارت و ارزیابی	انسجام ناکافی و ضعف در ساختار نظام نظارت و ارزیابی
	تعدد نهادها و موازی‌کاری در نظارت و ارزیابی
	فقدان نهاد متولی ملی در نظارت و ارزیابی
	گسترده‌گی و پراکندگی نظام‌های نظارت و ارزیابی
	کمبود معاونت ارزیابی در وزارت عتف
ناکارآمدی فرآیند اجرا و استفاده از نتایج	ضعف در استفاده مؤثر از نتایج ارزیابی و بازخوردها
	ضعف در اجرای ارزیابی‌های مستمر و پویا
	نبود ضمانت اجرا در نتایج ارزیابی
	توجه ناکافی به بهبود کل نظام دانشگاه در نظارت و ارزیابی

۳. چالش‌های منابع انسانی و مهارت‌های تخصصی: ضعف در آموزش تخصصی، آشنایی ناکافی اعضای هیئت علمی با اهداف و روش‌های ارزیابی و فقدان انگیزه برای مشارکت در فرآیندهای نظارت و ارزیابی از دیگر چالش‌های برجسته بود (فراوانی: ۳۱ مورد). این یافته با نتایج مطالعه ۱۵ که به کمبود توانمندی

(فراوانی ۳۶ مورد). مطالعات ۴، ۶، ۷ و ۹ نیز با اشاره به تعریف شده نبودن فرآیند ارزیابی و نظارت در نظام آموزش عالی کشور، تأکید دارند که در نبود چرخه بهبود مستمر، نتایج ارزیابی عملاً به گزارش‌هایی بی‌اثر تقلیل می‌یابد.



تخصصی در حوزه ارزیابی اشاره دارد همخوان است. همچنین مطالعه ۱۵ نیز تأکید می‌کند که عدم تربیت نیروی انسانی حرفه‌ای در این حوزه، کارآمدی نظام نظارت را کاهش می‌دهد.

۴. ضعف در سیاست‌گذاری، راهبرد و اختیارات: فقدان دیدگاه سیستمی و محدودیت اختیارات در مدیریت ارزیابی از جمله مشکلات راهبردی نظام نظارت و ارزیابی است (فراوانی: ۲۵ مورد). این چالش‌ها در مطالعات ۱، ۳، ۵ و ۶ با اشاره به کم توجهی سیاست‌گذاران و مدیران، ساختار سیاست‌گذاری فعلی را ناکارآمد، تمرکزگرایانه و فاقد هماهنگی عنوان کرده‌اند.

۵. ضعف در زیرساخت‌های اطلاعاتی و پشتیبانی: محدودیت‌های زیرساختی، نبود پایگاه‌های اطلاعاتی به‌روز و ضعف در پشتیبانی فنی، از دیگر چالش‌های نظام فعلی ارزیابی است (فراوانی: ۲۵ مورد). این یافته در راستای تحلیل مطالعات ۱، ۲، ۱۰، ۱۲ و ۱۳ قرار دارد که بر ضرورت توسعه سامانه‌های ملی داده‌محور برای ارزیابی علمی تأکید می‌کنند.

۶. نارسایی در طراحی ساختار کلان نظام نظارت و ارزیابی: نبود نظام‌نامه جامع نظارت، خلأ در برنامه‌ریزی راهبردی و فقدان مدل‌های بومی ارزیابی در سطح ملی، از جمله مسائلی است که در ۲۴ مورد از مطالعات برجسته شده است. مطالعات ۱، ۴، ۱۳ و ۱۴ بر این باورند که ساختارهای فعلی بیشتر برگرفته از الزامات اداری‌اند تا رویکردهای تحولی و کارکردمحور.

۷. ضعف در فرهنگ‌سازی و مشارکت ذی‌نفعان: عدم مشارکت اعضای هیئت علمی، بی‌اعتمادی نسبت به نتایج ارزیابی و غفلت از نقش ذی‌نفعان (دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و بازار کار) در طراحی نظام ارزیابی، از چالش‌های مهم فرهنگی-اجتماعی به شمار می‌رود (فراوانی: ۱۳ مورد). این یافته با تحلیل‌های مطالعات ۳، ۹، ۱۴ و ۱۹ همراستاست که تأکید دارند نبود فرهنگ ارزیابی و مشارکت، مانع از اثرگذاری نهایی نظام نظارت می‌شود. همچنین بحران‌های ساختاری و

فرهنگی مشاهده شده با تحلیل فریدونی (۱۳۹۹) درباره بحران توده‌گرایی و غفلت از ارزش‌آفرینی هم‌راستا است. فریدونی بحران «توده‌گرایی» در آموزش عالی را تهدیدی برای ارزش‌آفرینی دانشگاه‌ها دانسته و بر ضرورت بازاندیشی در نظام‌های نظارت و ارزیابی تأکید کرده است.

۸. گسست در هماهنگی و ارتباطات سازمانی: نارسایی در ارتباط نهادهای اجرایی، گسست بین نهادهای بالادستی و واحدهای دانشگاهی و عدم شفافیت در اطلاع‌رسانی از جمله چالش‌هایی بود که در ۶ مورد از مطالعات برجسته شده است. مطالعات ۱۱، ۱۲، ۲۰ و ۳۲ نیز به این ناهماهنگی اشاره دارند.

نتایج این مرور نظام‌مند نشان می‌دهد که چالش‌های نظام نظارت و ارزیابی آموزش عالی ایران را نمی‌توان صرفاً اداری و یا فنی دانست، بلکه برخی از این چالش‌ها ریشه در ساختارهای کلان، فرهنگ سازمانی و نبود چارچوب‌های مفهومی بومی دارد. همچنین تطابق بالا با مطالعات قبلی حاکی از پایداری این مشکلات در بیش از یک دهه گذشته است. از این‌رو، به‌روزرسانی سیاست‌های نظارت و ارزیابی، سرمایه‌گذاری در منابع انسانی و نهادسازی حرفه‌ای، می‌تواند مقدمه‌ای برای تحول در این حوزه باشد.

بنابراین در گام بعدی لازم است محققین به دنبال دلایل شکل‌گیری و افزایش احتمالی مسائل، چالش‌ها و مشکلات نظام نظارت و ارزیابی دانشگاه‌ها باشند، چرا که پس از شناسایی و استخراج دلایل و در ادامه تلاش در جهت رفع دلایل است که می‌توان انتظار افزایش اثربخشی، کارایی و سودمندی نظام نظارت و ارزیابی دانشگاه‌ها را داشت. زیرا نهایتاً بهبود کیفیت ارتقاء عملکرد دانشگاه‌ها و آموزش عالی است که منجر به ارتقای جایگاه دانشگاه‌های ایران در سطح بین‌الملل خواهد شد.

۳- پیشنهادهای سیاستی

با توجه به یافته‌های این مرور نظام‌مند و تحلیل محتوای ۳۳ مطالعه منتخب، به منظور بهبود نظام نظارت و ارزیابی



۳. توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی و آماری پشتیبان ارزیابی
۴. اصلاح ساختارهای کلان حکمرانی و سیاست‌گذاری
۵. ارتقاء فرهنگ ارزیابی و جلب مشارکت ذی‌نفعان
۶. تقویت پیوستگی و هماهنگی میان نهادهای درگیر در ارزیابی
۷. بازطراحی ساختار کلان نظام ارزیابی با رویکرد سیستمی.

- آموزش عالی ایران، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود. این پیشنهادها مبتنی بر چالش‌های کلیدی شناسایی شده هستند و به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که برای سیاست‌گذاران، مدیران دانشگاهی و نهادهای تصمیم‌ساز قابلیت اجرایی داشته باشند.
۱. ارتقاء منابع انسانی و تخصص‌گرایی در ارزیابی
 ۲. تدوین و نهادینه‌سازی شاخص‌ها و استانداردهای ملی ارزیابی

منابع

۱. آزادی‌احمدآبادی، قاسم. (۱۳۹۹). واکاوی نقش نهادهای ارزیابی علم، فناوری و نوآوری کشور و پیشنهاد نظام جامع پایش و ارزیابی. *رهیافت*. ۷۷، ۱۴۰-۱۲۴.
۲. آواری، سلیمان، حیدری، شهریار. (۱۴۰۱). بررسی عملکرد هیئت‌های نظارت و ارزیابی استانی از نگاه مسئولان نظارت و ارزیابی استانی دانشگاه فرهنگیان. *مدیریت دانشگاهی*، ۱ (۴)، ۱۳۰-۱۵۵.
۳. اکبری، حسین، روشنی، رضا، و اسکندری، مهرداد. (۱۳۹۹). آسیب شناسی نظام ارزشیابی و تضمین کیفیت آموزش (مطالعه موردی دانشگاه افسری امام علی (ع)). *علوم و فنون نظامی*. ۱۶ (۵۲)، ۱۰۷-۱۳۸.
۴. بازارگان، عباس. (۱۳۸۰). *ارزشیابی آموزشی: مفاهیم، الگوها و فرآیند عملیاتی*. تهران: انتشارات سمت.
۵. بازارگان، عباس. (۱۴۰۰). بازاندیشی در باره ارزیابی مستمر کیفیت در آموزش عالی ایران: ضرورت تقویت نهادهای ملی و بازنگری چارچوب ارزیابی. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۷ (۴)، ۱-۲۳.
۶. بازارگان، عباس، و فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۶). *نظارت و ارزشیابی در آموزش عالی*. تهران: انتشارات سمت.
۷. پروین، احسان، و ریگی، عاطفه. (۱۴۰۲). بررسی انتقادی نظام ملی نظارت و ارزیابی در آموزش عالی ایران: ارائه پیشنهاد سیاستی مطلوب. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*. ۱۷ (۶۰)، ۹۴-۱۰۸.
۸. جعفری، مصطفی، نوری، سیامک، و طالبی، داود. (۱۳۹۰). تحلیل عاملی شاخص‌های مؤثر در نظام جامع
- ارزیابی عملکرد آموزش عالی کشور. *پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی*. ۱۱ (۱)، ۶۴-۴۳.
۹. جعفری‌ثانی، حسین، جعفریان‌راد، سیدمحمدجعفر، و شاهسون، زهره. (۱۳۹۷). چالش‌ها و مشکلات تضمین کیفیت آموزش عالی با تاکید بر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی ایران. *نخستین همایش بین‌المللی و دوازدهمین همایش ملی ارزیابی کیفیت در نظام‌های دانشگاهی*.
۱۰. چوپانی، حیدر، حیات، علی‌اصغر، و زارع‌خلیلی، مجتبی. (۱۳۹۰). ارزیابی کیفیت در نظام آموزش عالی ایران؛ موانع، چالش‌ها و ارائه راهکارها. *اولین همایش بین‌المللی مدیریت، آینده‌نگری، کارآفرینی و صنعت در آموزش عالی*.
۱۱. حاتمی، جواد، و محمدی، رضا. (۱۳۹۲). طراحی سازمان ملی ارزشیابی، اعتبارسنجی و تضمین آموزش عالی. *مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*. ۳ (۳)، ۱۷۴-۱۴۵.
۱۲. حاتمی، جواد، محمدی، رضا، و اسحاقی، فاخته. (۱۳۹۰). چالش ساختارسازی برای نظارت و ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی ایران. *پنجمین همایش ارزیابی کیفیت در نظام دانشگاهی*.
۱۳. حاتمی، جواد، حسن‌زاده، محمد، و مرادی، حسین. (۱۳۹۵). ارتقای ساختار نظارت و ارزیابی در دانشگاه‌ها: تجربه دانشگاه تربیت مدرس. *سومین کنفرانس ملی و دهمین همایش ارزیابی کیفیت در نظام‌های دانشگاهی*. ۱۷۲-۱۶۱.



۲۳. شاهسون قره غونی، زهره، بذرافشان‌مقدم، مجتبی، مهران، بهروز، و امین‌خندقی، مقصود. (۱۳۹۵ الف). رویکرد نظارتی در ارزیابی آموزش عالی: چالش‌ها و راهکارها. سومین کنفرانس ملی و دهمین همایش ارزیابی کیفیت نظام های دانشگاهی.

۲۴. شاهسون قره‌غونی، زهره، بذرافشان‌مقدم، مجتبی، مهران، بهروز، و امین خندقی، مقصود. (۱۳۹۵ ب). فراارزیابی از برنامه های هیات نظارت و ارزیابی آموزش عالی استان خراسان رضوی در مرحله طرح (واکاو) تحلیلی در فاصله انتظارات مطلوب تا وضعیت موجود). سومین کنفرانس ملی و دهمین همایش ارزیابی کیفیت نظام های دانشگاهی.

۲۵. شفيعی، حسين. شمس، ناصر. (۱۳۹۸). طراحی و بکارگیری الگویی به‌منظور ارزیابی شایستگی و عملکرد مدیران در آموزش عالی. نوآوری و ارزش‌آفرینی. ۹(۵)، ۳۰-۱۷.

۲۶. عباسپور، عباس، مجتبی‌زاده، محمد، ملکی، حسن، و فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۴). طراحی الگوی اعتبارسنجی و تضمین کیفیت برای نظام آموزش عالی ایران به شیوه ی نظریه ی زمینه ای. پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی. ۱(۴)، ۲۱-۵۳.

۲۷. فریدونی، سمیه. (۱۳۹۹). ارزش‌آفرینی برای آموزش عالی با عبور از بحران‌های عصر توده‌گرایی. نوآوری و ارزش‌آفرینی. ۱۶(۸)، ۷۷-۹۸.

۲۸. قربانی، رضا، عباسیان، حسین، آراسته، حمیدرضا، و زین‌آبادی، حسن‌رضا. (۱۴۰۰). ارزشیابی اثربخشی آموزش در دانشگاه افسری امام علی (ع) بر اساس الگوی EFQM. علوم و فنون نظامی. ۱۷(۵۷)، ۱۸۹-۱۶۱.

۲۹. کیایی طالقانی، ناهید، زین‌آبادی، حسن‌رضا، آراسته، حمیدرضا، و عباسیان، حسین. (۱۳۹۸). تأملی بر علل مؤثر بر بروز کژ کارکردهای پژوهش در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ایران. آموزش عالی ایران. ۱۱(۱)، ۶۶-۳۹.

۳۰. گزارش اولویت‌های پیشنهادی نظام آموزش عالی و تحقیقات در برنامه هفتم توسعه. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. آذرماه ۱۴۰۰.

۱۴. حاتمی، داود، کمالی، حامد، و روشن، احمدرضا. (۱۴۰۲). مطالعه تجارب حکمرانی خوب در آموزش عالی کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی؛ درس‌مایه هایی برای آموزش عالی ایران. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. ۲۹(۱)، ۱۶۱-۱۸۶.

۱۵. حکیمی، وجیه، مهران، بهروز، و آهنگیان، محمدرضا. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی طرح‌های ارزیابی درونی و راه‌های توسعه اثربخشی آن (مطالعه موردی: دانشگاه فردوسی مشهد. مطالعات برنامه ریزی آموزشی. ۲(۳)، ۵-۳۴.

۱۶. ذاکر صالحی، غلامرضا. (۱۳۹۸). آسیب شناسی نظام ارزیابی علم و فناوری در ایران. دومین کنفرانس بین‌المللی و سیزدهمین کنفرانس ملی ارزیابی کیفیت در نظام های دانشگاهی. شیراز. مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت دانشگاه شیراز.

۱۷. رحمانپور، محمد، یعقوبی، سلام، احمدی، سه‌رکاو، زمانی، بی‌بی‌عشرت. (۱۳۹۳). بررسی شاخص‌های اعتبارسنجی نظام‌های آموزش عالی: با تأکید بر رتبه‌بندی آن‌ها. نامه آموزش عالی. ۷(۲۶)، ۱۱-۴۷.

۱۸. رشیدی، زهرا. (۱۳۹۷). تحلیل وضعیت کیفیت آموزشی در دانشگاه‌های ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن. تهران، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.

۱۹. زمانی، اصغر. (۱۳۹۶). شناسایی، تحلیل و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش در آموزش عالی. نوآوری و ارزش‌آفرینی. ۶(۱۱)، ۲۳-۳۵.

۲۰. زمانیان، سحر، کلانتری‌دهقی هانیه، خاکپور، عباس، و محمدی، رضا. (۱۳۹۹). کاربرد ارزیابی درونی برای بهبود کیفیت گروه‌های آموزشی (مورد مطالعه: گروه آموزشی علوم تربیتی دانشگاه ملایر). نامه آموزش عالی. ۱۳(۵۲)، ۶۹-۳۵.

۲۱. ساعدموجشی، لطفا... و عزیزی، نعمت‌اله. (۱۳۹۹). تحلیل ابعاد کمی و کیفی سیاست‌گذاری نظام آموزش عالی ایران. "سیاست‌های راهبردی و کلان. ۸(۲۹)، ۱۶۶-۱۸۴.

۲۲. سراجی، فرهاد، معروفی، یحیی، و رازقی، طاهره. (۱۳۹۳). شناسایی چالش‌های ارزشیابی از آموخته‌های دانشجویان در نظام آموزش عالی ایران. مطالعات/اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی. ۴(۴)، ۳۳-۵۴.



واکاوای عوامل موثر بر شکل‌گیری و توسعه کژکارکردی‌های آموزشی عالی در ایران. مدیریت و برنامه ریزی در نظام‌های آموزشی. ۱۷(۹)، ۹-۴۰.

۳۹. نظرزاده زارع، محسن، مردانی، امیرحسین، عباسی، حبیبه، و عباسی، زهرا. (۱۳۹۳). چالش‌های موجود در ارزیابی درونی مورد گروه‌های آموزشی علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه‌های دولتی ایران. کتابداری و اطلاع‌رسانی. ۱۷(۲)، ۵۱-۷۴.

۴۰. نوروزی‌چاکلی، عبدالرضا، و عبدی، ساجده. (۱۳۹۹). چالش‌ها، مسائل و الزامات ساختاری پیاده سازی نظام ملی ارزیابی اثر بخشی علم، فناوری و نوآوری. رهیافت. ۳۰(۱)، ۸۹-۱۰۶.

41. Aziz, Sh., Mahmood, M. and Hina, S. (2021). Quality Enhancement: Educational Monitoring and Evaluation at Higher Level. *Research Journal of Social Sciences & Economics Review*. 2(1): 28-39.

42 Cao, C. Wei, T. Xu, S. Su, F. and H. Fang (2023). Comprehensive evaluation of higher education systems using indicators: PCA and EWM methods. *Humanities and Social Sciences Communications*. 10 (1). 432-444.

43. Leihy, P. Salazar J.M. (2017). The moral dimension in Chilean higher education's expansion. *Higher Education*. 74(1):147-161.

44. Van Mol, C. Caarls, K. and Souto-Otero, M. (2021) International student mobility and labour market outcomes: an investigation of the role of level of study, type of mobility, and international prestige hierarchies. *Higher Education*. 82(6):1145-1171.

۳۱. گزارش الزامات سیاستی استقرار نظام تضمین کیفیت درآموزش عالی و پژوهش کشور. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. فروردین ۱۴۰۱.

۳۲. لطفی‌پورسبزی، پیمان، قورچیان، نادرقلی، آراسته، حمیدرضا، و سیاری، حبیب‌الله. (۱۳۹۵). ارائه ی ملاک های ارزیابی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره). *آموزش علوم دریایی*. ۳(۱)، ۲۸-۴۲.

۳۳. لطفی‌پورسبزی، پیمان، قورچیان، نادرقلی، آراسته، حمیدرضا، و سیاری، حبیب‌الله. (۱۳۹۸). ارائه ی مدلی برای ارزیابی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره). *آموزش علوم دریایی*. ۱۶، ۳۱-۱۲.

۳۴. محمدی، رضا، و اسحاقی، فاخته. (۱۳۹۸). تأکید بر ارزیابی و اعتبارسنجی کیفیت در نظام آموزش عالی ایران در راستای اسناد بالادستی (اقدامات، چالش‌ها و راهبردها). رهیافت. ۷۳، ۲۷-۱۳.

۳۵. محمدی، رضا، زمانی‌فر، مریم، صادقی‌مندی، فاطمه. (۱۳۹۵). ارزشیابی و تضمین کیفیت در آموزش عالی فرآیند داوطلبانه یا اجباری؟ *مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*. ۶(۱۴)، ۲۰۱-۱۶۵.

۳۶. مرادی، شیمای، جنوی، المیرا، و پاکزاد، مهدی. (۱۳۹۹). پایش و ارزیابی وضعیت آموزش عالی ایران بر مبنای اسناد بالادستی کشور. رهیافت. ۳۰(۷۸)، ۱-۱۹.

۳۷. مرادی پور، حجت‌اله، نیستانی، محمدرضا، و شرنجانی، مجتبی. (۱۳۹۷). ارائه الگوی مناسب در نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت پژوهش و فناوری. *دوازدهمین همایش ملی ارزیابی کیفیت در نظام های دانشگاهی*.

۳۸. مطلبی‌فرد، علیرضا، آراسته، حمیدرضا، نوه-ابراهیم، عبدالرحیم، و عبدالهی، بیژن. (۱۳۹۵).

